



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۲۵

انجنیر نجیب الله داوری

افغانستان فقیر و فرصت از دست رفته حضور امریکایی ثروتمند

قسمت اول

وضعیت فوق العاده رفقت بار اجتماعی - اقتصادی مردم افغانستان نهایت قابل تشویش و نگرانی است. اربابه های اقتصاد مملکت که روی کمک های خارجی و پمپ روزانه ملیونها دالر از مجرا های مختلف در بانکها و بازار های افغانستان میچرخید، باخروج نظامیان امریکا بزمین نشسته و همراه با آن زندگی و معیشت بیشتر از 20 ملیون انسان یا نصف نفوس افغانستان در وضعیت خطرناک میان مرگ - و زندگی قرار گرفته است. از قرار معلوم دولت طالبان در امر رفع مشکل جاری در امر برقراری روابط حسنه مجدد با جامعه بین المللی کدام برنامه مدون یا عاجل در دست نداشته و حتی از دعوت و استخدام افغانهای متخصص و وطنپرست علم اقتصاد و سیاست که میتوانند در شرایط جاری - عجلتاً طالبان را کمک و مشکل را چاره سازی کنند، نیز کوتاهی می ورزند. هرچند افغانهای بیرون از کشور با بکارگیری امکانات ناچیزی که در دست دارند، در صدد کمک و فرستادن پول به دوستان، نزدیکان و حاجتمندان داخل افغانستان هستند، اما این کمک و کمک های موسسات خیریه بین المللی به اساس قطعه نامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل، به مشکل میتواند روزانه بین صد هزار تا یک ملیون دالر تخمین شود، بناً ناگفته پیداست که این کمک ناچیز هرگز نمیتواند جای روزانه چهل ملیون دالر کمک امریکا و جامعه جهانی به افغانستان را پُر کند.

اما چگونگی حضور و بیرون رفت امریکا از افغانستان

بدنبال شکست آلمان نازی در سال 1945 توسط قوای متفقین و حضور سربازان امریکایی در آزاد سازی کشور های اروپایی از یوغ نازی ها، ایالات متحده بعنوان ابرقدرت مطرح در جهان سر بلند کرد. با آنکه اتحاد شوروی نیز پا به پای امریکا - رقیب این کشور در معادلات سیاسی، نظامی، فضایی و تکنالوژی جهان حضور بالفعل داشت، اما سرانجام اتحاد شوروی روی عوامل چند، خصوصاً اقتصادی بعد از 45 سال رقابت با امریکا در اوائل دهه نود میلادی قرن گذشته از پا در افتاده و سقوط نمود، در نتیجه امریکا یکه تاز میدان شد. طی 45 سال جنگ سرد و بعد از تجارب متعدد ثابت شد که دوستی و همکاری با ابرقدرت اقتصادی - نظامی دنیا یا امریکا خالی از مفاد و پیشرفت برای کشور های عقب مانده جهان نبوده و نیست. هرچند در کشاکش جنگ سرد و رقابت میان امریکا و شوروی در شرق دور، جنگاوران ویتنام جنوبی « ویتکانگها » در پشتپانی مستقیم ویتنام شمالی - اتحاد شوروی و چین توانستند به حضور نظامی و سیاسی امریکا در ویتنام جنوبی پایان داده و جنوب ضمیمه شمال شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اما مردم ویتنام خصوصاً ساکنین شهر هوچی من یا سایگون سابق در استقبال بینظیر تاریخی از بل کلنتن رئیس جمهور وقت امریکا در نوامبر سال 2000 تلویحاً به جهانیان اظهار کردند که در بیرون کردن امریکایی ها از کشور شان اشتباه و غلط کرده بودند.

ایجاد روابط میان افغانستان و امریکا برمیگردد به دهه سی میلادی قرن گذشته، 70 سال قبل و در شروع دهه پنجاه میلادی. سردار محمد داوود خان تلاشهای زیاد کرد تا در ساخت افغانستان مدرن و پیشرفته از کمک و تکنالوژی امریکایی بهره جوید. اما متأسفانه دید تنگ نظرانه رهبران وقت امریکا بخصوص ریچارد نکسن معاون رئیس جمهور امریکا «1952-1960» نسبت به افغانها مانع گسترش روابط میان دو کشور در عرصه های اقتصادی - تخنیکی و نظامی شد. هرچند بعدها و در اوائل دهه هشتاد میلادی بدنبال حضور نظامی شوروی در افغانستان، وقتی مسجل شده بود که افغانستان توسط روسها بلعبده شده و روزنامه های معروف و پرتیراژ امریکا - ریچارد نکسن را در امر عدم همکاری با افغانستان در زمان معاونیت ریاست جمهوری شدیداً ملامت و ویرا عامل پیشروی روسها بطرف آبهای گرم و معبر نفت جهان قلمداد کردند، نکسن بخاطر ترمیم ملامتی در انظار مردم امریکا و جهان میان سالهای 1980 و 1987 مجموعاً یازده بار به پاکستان و کمپ های مهاجرین افغان مسافرت و مهاجرین را به جنگ علیه روسها تشویق و ترغیب کرد. بنأ اگر آیزنهاور رئیس جمهور وقت امریکا و ریچارد نکسن معاون وی در دهه پنجاه میلادی به خواست های مکرر سردار محمد داوود خان صدراعظم در امر کمک و ساخت زیر ساختهای افغانستان لیبک میگفت، شاید سیر تاریخ افغانستان کاملاً متغیر رقم میخورد.

چهل و چهار سال قبل در گرماگرم جنگ سرد گاهی که رهبران دایم الخمر اتحاد شوروی مست باده های پیروزی علیه حریف زورمند شان - امریکا در اقصی نقاط جهان چون ویتنام، شرق میانه، شاخ افریقا و امریکایی لاتین بودند؛ در یک اقدام و ماجراجوی زورمندانه سرنوشت مردم افغانستان را به بازی گرفته و یکی از تراژدی های بزرگ تاریخ بشریت در کره زمین را رقم زدند. کودتای ثور عامل و سر آغاز کشتار ملیونی مردم افغانستان و تخریب بسیار گسترده زیربناهای این سرزمین شد؛ که نتیجه آن فقر گسترده و فراگیر را در این کشور برای دهه های متوالی به بار آورد. بیست و سه سال بعد از کودتای نظامی ثور و 9 سال بعد از جنگهای هیبتناک قدرت میان تنظیم های مختلف جهادی در سال 2001 در حالیکه طالبان با همکاری مستقیم - حضور و هدایت دوستان بنیاد گرای عرب و پاکستانی شان قدرت را در افغانستان در دست داشته و در تونل تاریک زندگی مردم اینکشور حتی کوچکترین نور هم بمشاهده نمیرسید؛ حمله تروریستهای بین المللی به برج های نیویارک و تعمیر پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا پای نظامیان امریکا و کشور های ثروتمند غربی را با پروژه های بزرگ و کوچک اجتماعی - اقتصادی، و غیره به افغانستان کشاند. در اینجا انتقام امریکا از طالبان والقائده در حمله به افغانستان بیرون از بحث جاری است. اما تاسیس و ساخت پایگاه های بزرگ نظامی و ایجاد دفاتر متعدد کمک های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، صحتی، ساختمانی، زراعتی و غیره از سوی بیش از 50 کشور ثروتمند جهان در شهر ها و ولایات افغانستان اتفاقی بود کم نظیر که تقریباً در هیچ کشور دنیا قبلاً اتفاق نیافتاده و در حالیکه در این مرحله از تاریخ بالای مردم افغانستان باران پول و دالر میبارید، باید مردی در سطح رهبری این کشور حضور میداشت که کمک های میلیارد دالری جامعه جهانی را در راستای رفاه و خودکفایی ملت افغانستان در دستور کارش قرار داده و افغانستان را بعنوان کشور مطرح اقتصاد آسیا رهبری میکرد، نه یک آدم فاقد احساسات ملی و فاقد دانش ابتدایی از منافع ملی چون حامد کرزی.

به نوشته استیو کول در کتاب معروف اش بنام جنگ اشباح، که در اواخر دهه هفتاد میلادی کشور پاکستان در وضعیت فوق العاده نام مناسب اجتماعی و اقتصادی بسر برده و حتی خطر فروپاشی و تجزیه اینکشور متصور بود. اما بروز کودتای ثور و بعد هم حضور نظامی شوروی وقت در افغانستان، بخت پاکستان گُل کرده و بعنوان خط مقدم جبهه در برابر نفوذ کمونیزم در کشاکش جنگ سرد، دریایی از دالر از سوی کشور های ثروتمند غربی و عربی در دهه هشتاد میلادی در حالی راهی پاکستان شد که کشور های غربی جهت جلوگیری از خیزش شوروی به آبهای گرم و معبر ترانزیت نفت جهان در مقابله با نفوذ شوروی در تحریک کشورهای عرب مسلمان ظاهراً تحت نام جلوگیری از گسترش کمونیزم سخاوتمندانه میلیاردها را به پاکستان پیشکش و مدیران دولت پاکستان توانستند پول مذکور را در راستای تحکیم قدرت پاکستان در منطقه و مقابله با دو همسایه شمالی و جنوبی خصوصاً در امر تضعیف افغانستان در جریان پسا خروج شوروی و جلوگیری از ظهور دوباره افغانستان قدرتمند بسان حاکمیت سردار محمد داوود خان بکار گیرند. زیرا بعد از حادثه 11/9 سال 2001 و حضور نظامی و اقتصادی کشور های ثروتمند غربی در افغانستان اعم از امریکا، کانادا، استرالیا، فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، سویدن، ناروی، دنمارک، هالند، بلژیک، جاپان، کوریای جنوبی، زیلاند جدید و غیره غیره فرصت بسیار مناسب برای بیرون شدن افغانستان از اثرات ناگوار جنگ و چالش های اقتصادی - اجتماعی سه دهه قبل بود. اما متأسفانه که این فرصت تاریخی به انواع گوناگون در مرحله اول با مداخله مستقیم، غیر مستقیم و خونین همسایه های

افغانستان خصوصاً پاکستان، در مرحله دوم توسط مافیای چپاولگر و قدرت طلب داخل نظام برهبری حامد کرزی و عبدالله – عبدالله در چپاول میلیارد دلاری و کث و گیر قدرت، در مرحله سوم با تبلیغات فراگیر حلقه‌های ماکولیای خدایی خدمتگار چپ افراطی، و تبلیغات مشابه و هدفمند راست افراطی در داخل و بیرون افغانستان علیه حضور نظامی امریکا تحت بهانه اشغال، و در مرحله چهارم در زدو بند های بُرد و باخت انتخابات امریکا از سوی ترمپ و بایدن، سیوتاژ و سرانجام هم قوای نظامی امریکا و کشور های ناتو از افغانستان خارج و همراه با آن تمام حلقه‌های خدمات اقتصادی، اجتماعی، صحتی، آموزشی، زراعتی، تخنیکي و ساختمانی کشورهای ثروتمند جهان افغانستان را ترک، که از اثر آن و قطع کمک های دیگر، ورود روزانه چهل میلیون و هفته وار 300 میلیون دالر امریکایی از منابع مختلف به جیبهای مردم و بازار های افغانستان یک شبه به صفر تقرب و مردم افغانستان را یکباره بخاک سیه نشاند.

شرح و چگونگی روند حضور و جریان پولهای بیشمار در افغانستان در زمان حضور نظامی امریکا در بحث آینده به بررسی گرفته خواهد شد.

ادامه دارد.